

تخلفات انتظامی قضات

با همکاری آقای علی اصغر فلاح

■ انفصال از خدمت قضایی به مدت ۳ ماه و
نزل ۲ پایه قضایی به خاطر دستور تخلیه
خلاف قانون

(دادنامه شماره ۳۸۹ و ۳۸۸ مورخ ۸۲/۹/۱۶
شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات)
خلاصه پرونده :

مستفاد از گزارش دادسرای انتظامی این است که به موجب حکم شماره ۹۹/۱-۹۹/۹/۶-۱۳۵۹/۹/۶ اموال (ج.ح) به نفع بنیاد مستضعفان مصادره شده و عملاً اجراء گردیده است و بنیاد پس از در اختیار گرفتن آن در تاریخ ۶۰/۱۲/۲۴ دفتر خانه شماره ۲۴ شش دانگ یک باب خانه ویلایی واقع در خیابان پاسداران را به اجاره آسایشگاه سالمندان ولی عصر (عج) داده است، مال الاجاره ماهانه ۷۹۱۶۰۰ ریال بوده است و بنیاد مستضعفان در سال ۱۳۶۲ به نام خود سند مالکیت دریافت داشته است و پس از انقضای مدت اجاره دادخواست تخلیه به طرفیت آسایشگاه سالمندان تقدیم نموده اند که دادگاه طی دادنامه شماره ۴۶۲-۱۸/۸/۷۰ رأی به تخلیه علیه خواننده صادر کرده ولی پس از تجدیدنظر خواهی شعبه چهارم دادگاه حقوقی یک تهران مطابق دادنامه شماره ۳۵۷-۱۶/۹/۷۱ با استدلالی که به عمل آورده محل را تجاری تلقی و با نقض دادنامه بدوی دعوی خواهان را رد کرده است. بنیاد در تاریخ ۷۷/۱۲/۱۲ مال الاجاره را به مبلغ دو میلیون ریال افزایش داده است در تاریخ ۷۹/۳/۴ مدیر عامل سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان و جانبازان به دادگاه انقلاب متمسک شده و طی نامه ای تقاضای صدور دستور بر تخلیه ملک مورد نظر نموده است.

آقای . . . رییس شعبه . . . دادگاه انقلاب اسلامی که هویت ایشان در هیچ یک از دستورهای قضایی منعکس نگردیده است با تعیین وقت برای روز ۷۹/۳/۳۰ و تشکیل جلسه دادگاه و دادن مهلت یک ماهه برای سازش و بعداً با تعیین وقت احتیاطی دو ماهه از محل بازدید نموده و در تاریخ ۷۹/۹/۲۳ پس از انعکاس اظهارات وکیل آسایشگاه سالمندان مهلت تخلیه را تاریخ

۷۹/۱۱/۲۵ مشخص و در تاریخ ۷۹/۱۰/۱۲ به فرماندهی خدمات انتظامی تهران نوشته است به استناد حکم شماره ۷۹/۷۹/۷۴۹۰ صادره از این دادگاه ضمن مراجعه به ملک واقع در . . . تحت تصرف آسایشگاه سالمندان به نامبرده ابلاغ شود تا تاریخ ۷۹/۱۱/۲۵ رأساً نسبت به تخلیه ملک تحت تصرف اقدام نماید و نتیجه اقدامات خود را به این شعبه گزارش نمایند.

بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر و عدم تخلیه به موقع نسبت به صدور حکم پلمپ اقدام می گردد مهلت به درخواست وکیل آسایشگاه برای ۸۰/۱۰/۳۰ تمدید شده و در تاریخ ۸۰/۱/۲۹ دستور تعیین وقت احتیاطی دو ماهه صادر شده و در تاریخ ۸۰/۷/۲۵ وقت احتیاطی پنج ماهه دیگری تعیین گردیده و در تاریخ ۸۰/۱۱/۲۷ وقت احتیاطی را برای یک ماه دیگر تمدید و در تاریخ ۸۰/۱۲/۱۱ آخرین فرصت برای ۸۱/۱/۲۸ تعیین و سرانجام در تاریخ ۸۱/۲/۲ (در گزارش ۸۰/۲/۲ آمده) چنین اتخاذ تصمیم شده است: با بررسی محتویات پرونده و بر اساس خواسته خواهان و با امعان نظر به دفاعیات خواننده دعوا به مستفاد از ماده ۲۷ آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی که اجرای احکام را ملزم نموده تا در اجرای حکم صادره دستور تخلیه و رفع تصرف و خلع ید متصرف را صادر نماید و در اجرای نامه شماره ۱۰۷۱/۸۱/۳۰ مورخ ۸۱/۱/۱۷ ریاست محترم ستاد نظارت و اجرای احکام پرونده های اصل ۴۹ قانون اساسی بنا براین پرونده مطروحه مشتمل بر ۹۴ برگ جهت اظهارنظر و در صورت لزوم ارجاع به یکی از شعب اجرای احکام عیناً به دفتر ریاست محترم ستاد نظارت و پیگیری پرونده های اصل ۴۹ قانون اساسی ارسال می گردد. آقای . . . سرپرست اجرای احکام ویژه اصل ۴۹ پس از انعکاس اظهارات وکیل آسایشگاه نوشته اند: با توجه به اقدامات معاونت اجرای احکام، نسبت به تخلیه ملک پرونده جهت ادامه رسیدگی ارسال می گردد.

دفتر نظارت و پیگیری قوه قضاییه چند بار پرونده را مطالبه و پس از وصول توسط یکی از قضات آن دفتر گزارشی تهیه و در پایان اظهارنظر شده است که دستور تخلیه صادر شده از اجرای احکام دادگاه اصل ۴۹ خلاف مقررات و آیین نامه های مربوطه می باشد و به ریاست محترم قوه قضاییه پیشنهاد شده که اقدامات لازم به منظور لغو دستور تخلیه صورت گیرد ریاست نهاد قوه قضاییه با این پیشنهاد موافقت نموده و مراتب طی شماره ۱۲۹۶۶/۸۱/۱-۸۱/۷/۶ نزد ریاست هیأت اجرایی اصل ۴۹ قانون اساسی ارسال شده با وصول نامه آقای . . . در تاریخ ۸۱/۸/۷ پرونده را به آقای . . . ارجاع نموده سپس تاریخ را لاک گرفته و تاریخ ۸۱/۱۰/۲۲ نوشته شده دادسرای انتظامی منظور از این اقدام را این طور برداشت کرده که خواسته اند وصول و تاریخ دستور را بعد از انجام تخلیه جلوه دهند، نهایتاً دادسرا پس از تهیه گزارش به شرح نظریه ابرازی چنین اظهارنظر کرده است.

نظریه :

صرف نظر از اینکه حدود صلاحیت دادگاههای انقلاب در رسیدگی به جرایم مطابق ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مبین و احصاء گردیده و رسیدگی به دعاوی تخلیه از شمول مذکور خارج است.

لذا همان گونه که در نظریه مورخ ۸۱/۶/۲۴ قاضی محترم اداره نظارت و پیگیری قوه قضاییه اشاره شده و به موافقت ریاست محترم نهاد قوه قضاییه رسیده مورد از شمول مقررات ماده ۲۷ و صلاحیت آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی نیز خارج است زیرا در ماده ۲۷ آمده است در مواردی که حکم به تملیک یا ضبط یا تحویل اموال به مالک صادر می گردد با درخواست ذی نفع یا قائم مقام قانونی و یا وکیل آنان اجرای احکام ملزم است ظرف دو ماه حسب مورد تخلیه - رفع تصرف - خلع ید و . . . صادر نماید چنانچه عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد این امر مانع اجرای دستور نخواهد بود مگر اینکه متصرف مدعی



حتی از عین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارائه ننماید. در این صورت قاضی مجری حکم یک ماه به او مهلت می دهد تا به دادگاه صلاحیت دار مراجعه و ... در مانحن فیه قبل از مصادره اموال آقای (ج.ح) از سوی دادگاه انقلاب به نفع بنیاد مستضعفان کلیه اموال وی از جمله ملک مورد تخلیه تحت سرپرستی بنیاد قرار داشته و در تاریخ ۶۰/۱۲/۲۴ آن را به شرکت آسایشگاه سالمندان ولی عصر (عج) به اجاره واگذار و در چنین وضعیتی رأی صادره اجرا شده محسوب و دخالت دادگاه انقلاب پس از تقریباً بیست سال تصرف استیجاری مستأجر آن هم متعاقب تقدیم دادخواست علیه مستأجر و رد دعوی بنیاد مطابق دادنامه شماره ۳۵۷-۷۱/۹/۱۶ شعبه چهارم دادگاه حقوقی یک تهران کمترین تطبیقی با معیارها و موازین قانونی نداشته و قابل توجیه نیست بنابراین کلیه اقدامات رییس شعبه ... دادگاه انقلاب تهران (آقای ...) من البدو الی الختم و همچنین عدم انعکاس نام و نام خانوادگی خویش ذیل دستورها و تصمیمات متخذ به نظر تخلف است و هكذا سرپرست اجرایی احکام آقای ... که به نحوی در قضیه دخالت داشته و پس از ملاحظه نظریه دفتر نظارت و پیگیری قوه قضاییه (نظریه در تاریخ ۸۱/۸/۷ ص ۱۶۶ قبل از تخلیه ملک مورد بحث به رویت ایشان رسیده سپس آن را لاک گرفته و دستور دیگری به تاریخ ۸۱/۱۰/۲۲ پس از تخلیه ساختمان در کنار آن نگاشته و دستور مورخ ۸۱/۸/۷ را با همان تاریخ در صفحه ۱۲۰ مرقوم نموده اند) عملیات اجرائی را متوقف نساخته و در اجرای نظریه قانونی مذکور اقدام لازم و مقتضی معمول نداشته اند مرتکب تخلف شده اند در کیفرخواستهای به شماره ۱۹۰ و ۱۹۱-۸۲/۴/۱۸ تقاضای مجازات انتظامی آقایان ۱- ... رییس شعبه ... دادگاه انقلاب اسلامی تهران ۲- ... سرپرست اجرای احکام اصل ۴۹ قانون اساسی و رییس شعبه ... دیوان عالی کشور را به استناد مواد ۱۴ و ۲۰ نظامنامه نموده است پس از ابلاغ کیفرخواست هرکدام به شرح جداگانه ای از خود دفاع نموده اند که هنگام شور قرائت خواهد شد آقای ... اجمالاً با اشاره به موارد کلی و دستورالعمل اجرائی قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و موارد دیگر ی که هیچ ارتباطی با موضوع مطروحه ندارد اقدامات خود را توجیه نموده است.

آقای ... نیز ضمن عدم انکار لاک گرفتن تاریخ منقوش در ذیل دستور خود اجمالاً نوشته است از گزارش مزبور چنین استفاده می شود که در تاریخ واحد دوبار پرونده به آقای ... ارجاع شده نهایتاً

بار اول در ص ۱۲ و بار دوم در صفحه ۱۶۶ که مرتبه دوم لاک گرفته شده علی فرض صحت این مطلب ارجاع اول پرونده به آقای ... کفایت دانسته و احتیاجی به ارجاع دوم نبوده بنابراین ارجاع دوم اضافی و زائد بوده و لاک گرفته شده ... ثانیاً، چنانچه ارجاع دوم لاک گرفته شده از کدام مطلب چنین ادعایی نموده اند که منظور آقایان این بوده که اعلام دارند اقدامات بعدی قبل از ملاحظه نظر به دفتر نظارت و پیگیری بوده. ثالثاً، در پرونده به کدام شخص و یا مقامی چنین اعلامی شده این ادعای بدون دلیل و مدرک در گردشکار و کیفرخواست چه معنا و مفهومی دارد. رابعاً، توقف اجرای عملیات باید به موجب قانون باشد ...

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است و پس از قرائت گزارش و لوائح دفاعیه و کسب نظر نماینده دادرسی انتظامی قضات اجمالاً مبنی بر: (اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی ...) مشاوره نموده و چنین رأی می دهد:

رأی دادگاه

بنیاد مستضعفان در تاریخ ۷۹/۳/۴ درخواست تخلیه ملک خود را که در سال ۱۳۶۰ به اجاره آسایشگاه سالمندان داده است از دادگاه انقلاب اسلامی نموده است (توضیح اینکه ملک مورد نظر در سال ۱۳۵۹ به نفع بنیاد مصادره و تحویل آن ارگان گردیده و بعداً طی قراردادی در سال ۱۳۶۰ به اجاره آسایشگاه سالمندان داده شده و اقدامات آنها بر تخلیه از طریق مراجع حقوقی به نتیجه نرسیده است) آقای ... رییس شعبه ... دادگاه انقلاب اسلامی پرونده ای برخلاف صلاحیت ذاتی خود تشکیل داده و اقداماتی مبنی بر اخطار به تخلیه و اعطای مهلت و تعیین وقتهای نویسی مکرر و مذاکرات سازش انجام داده و در نهایت با اظهار نظری نادرست در تاریخ ۸۱/۲/۲ (بدین خلاصه بااستفاد از ماده ۲۷ آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی که اجرای حکم صادره دستور تخلیه و رفع تصرف و خلع ید متصرف را صادر نماید) پرونده را جهت دستور مقتضی نزد رییس محترم ستاد نظارت و اجرای احکام پرونده های اصل ۴۹ ارسال نموده است حال این که مورد هیچ ارتباطی و انطباقی با آیین نامه مذکور و پرونده های موضوع اصل ۴۹ نداشته متأسفانه آقای ... سرپرست اجرای احکام ویژه اصل ۴۹ خطاب به آقای ... نوشته نسبت به تخلیه ملک پرونده جهت ادامه رسیدگی ارسال می گردد.

متعاقباً گزارش اداره نظارت و پیگیری قوه قضاییه متضمن جلوگیری از تخلیه به نزد آقای ... ارسال می شود ایشان پرونده را در تاریخ ۸۱/۸/۷ به آقای ... ارجاع داده و آقای ... در تاریخ ۸۱/۸/۱۸ دستور تخلیه را به فرماندهی نیروی انتظامی مستقر در دادگاه انقلاب داده است و در نتیجه ملک تخلیه و تحویل بنیاد شده است وکیل آسایشگاه سالمندان اعلام نموده این اقدامات سبب مرگ یازده نفر از سالمندان شده است چون تاریخ ارجاع پرونده به آقای ... بعد از وصول نامه قوه قضاییه و قبل از اجرای تخلیه بوده است آقای ... تاریخ مذکور را لاک گرفته و تاریخ ۸۱/۱۰/۲۲ مرقوم داشته و بدین ترتیب چنین وانمود شده که نامه اداره نظارت و پیگیری قوه قضاییه بعد از تخلیه واصل گردیده است. علیهذا تخلف آقایان ۱- ... رییس شعبه ... دادگاه انقلاب اسلامی تهران ۲- ... سرپرست اجرای احکام اصل ۴۹ قانون اساسی و رییس وقت شعبه ... دیوان عالی کشور محرز است و آقای ... مستنداً به صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به سه ماه انفصال موقت از خدمت و آقای ... مستنداً به ذیل ماده مذکور به تنزل دو پایه قضایی محکوم می گردند این رأی ظرف یک ماه پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیأت انتظامی قضات است.

■ ارجاع به دادرسی شعبه از سوی رییس در صورت صدور قرار امتناع تخلف نیست (دادنامه شماره ۳۰۳-۳۰۲ مورخ ۸۲/۶/۱۷ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات) گردشکار:

دادستان انتظامی قضات طبق کیفرخواستهای شماره ۵۶۳ و ۵۶۲-۸۱/۸/۱۸ صادره در پرونده کلاسه ۸۰/۲۹/۱۴۰۳ انتظامی بر اساس نظریه آقای ... دادیار که به تأیید آقای ... معاون آن دادسرا رسیده آقایان ۱- ... دادرسی شعبه ... دادگاه عمومی شهری ۲- ... رییس شعبه مرقوم را در رسیدگی به پرونده کلاسه ... تخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه مجازات انتظامی آنان را تقاضا کرده است.

آقای ... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار نظر کرده است: رییس دادگاه پس از صدور قرار امتناع از رسیدگی لازم بود که پرونده را به رییس حوزه قضایی اعاده تا حسب ارجاع به شعبه دیگر، تحت رسیدگی قرار می گرفت ارجاع پرونده به دادرسی شعبه خود با موازین قانونی (ماده ۲۶



قانون آیین دادرسی کیفری) و سیره عدالت‌نا سازگار است. از طرفی دادرسی شعبه نیز با عنایت به اینکه مرجع و مقام ارجاع رییس دادگستری یا قائم مقام اوست و رییس شعبه که قرار امتناع از رسیدگی صادر کرده صلاحیت برای ارجاع نبود زیرا دادرسی دادگاه به اعتبار صلاحیت شعبه مکلف به رسیدگی است و الا صلاحیت وی مخدوش است و رسیدگی به پرونده موصوف منافات کامل با تبصره ماده ۶۵ قانون مرقوم دارد. از طرفی دادرسی پس از اعلام شکایت جدید آقای ... می بایست به استناد ماده ۷۷ همان قانون پرونده را به نظر رییس دادگستری می رساند و کسب دستور می کرد و اگر این شکایت نیز به او ارجاع می شد مجاز به رسیدگی بود.

پس از صدور کیفرخواستها و ابلاغ آنها، لوائح دفاعیه آنان واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لوائح دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده ۴۱ قانون اصول تشکیلات دادگستری مبنی بر: (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی براساس کیفرخواست دادسرای انتظامی مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل با اکثریت مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی دادگاه: (نظریه اکثریت)

ارجاع پرونده از سوی رییس دادگاه مرجوع الیه به دادرسی همان شعبه پس از صدور قرار امتناع از رسیدگی و ادامه رسیدگی دادرسی مزبور مغایرتی با قانون نداشته است بنابراین رأی بر براءت آقایان ... رییس و ... دادرسی وقت شعبه ... دادگاه عمومی شهرری صادر و اعلام می نماید. لکن تخلف آقای ... دادرسی دادگاه مزبور از مفاد مواد ۷۷ و ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در رسیدگی به شکایت جدید بدون وجود ارجاع پرونده محرز است لذا نامبرده را به کسر عشر حقوق ماهانه به مدت دو ماه محکوم می نماید. رأی صادره قطعی است.

مستشار دادگاه ...

مستشار شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات نظریه اقلیت:

در مقررات ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری راجع به موضوع مانحن فیه (صدور قرار امتناع رییس دادگاه از رسیدگی) ارجاع پرونده به دادرسی

علی البدل یا شعبه دیگر پیش بینی شده است از طرفی مقامات صالحه برای ارجاع شکایات و پرونده ها در ماده ۲۶ همان قانون معین و مشخص گردیده است و با این ترتیب اقدام رییس وقت شعبه ... دادگاه عمومی شهرری در ارجاع پرونده امر به دادرسی علی البدل دادگاه و نیز رسیدگی دادرسی مذکور بر این اساس به نظر تخلف بوده و از این حیث با رأی اکثریت موافق نمی باشم.

رییس دادگاه ...

■ قرار توقیف عملیات اجرایی آرای هیأت حل اختلاف اداره کار در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

(دادنامه شماره ۴۳۶ مورخ ۸۲/۹/۶ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات)

جریان امر:

دادستان انتظامی قضات به موجب کیفرخواست شماره ۷۳۳ - ۸۱/۹/۳۰ صادره آقای ... رییس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را بر اساس گزارش و نظریه آقای ... دادیار و آقای ... معاون آن دادسرا در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۵۵/۷۹ متخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات وی را نموده است.

آقای دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار نظر کرده است: شرکت ... در ۷۹/۵/۱۸ دادخواستی به خواسته توقیف عملیات اجرایی اجرائیه کلاسه ۶۷۳/۷۹ که با توجه به رأی هیأت تشخیص و حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی صادر شده به طرفیت اداره کار و امور اجتماعی و ... تقدیم و به شعبه ... دادگاه عمومی ارجاع می شود. رییس شعبه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید (... با توجه به محتویات پرونده و اینکه خواهان خسارات احتمالی را ابداع و از طرفی دلایل ابرازی ظاهراً قوی می باشد به استناد ماده ۵ قانون اسناد لازم الاجرا قرار توقیف عملیات اجرایی اجرائیه فوق الذکر صادر و اعلام می گردد) و با صدور قرار مذکور اجرای اجرائیه توسط کلاتری ... متوقف پرونده به نزد سرپرست مجتمع قضایی رسیده و در اجرای ماده ۳۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی با این استدلال (وفق بند ۲ از ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت حل اختلاف اداره کار در صلاحیت دیوان عدالت اداری موضوع در صلاحیت این مرجع است مراتب تذکراً

اعلام می گردد پرونده از ناحیه شعبه ... به دادگاه تجدیدنظر ارسال و شعبه ... دادگاه تجدیدنظر تهران دادنامه بدوی را نقض پرونده را اعاده و شعبه ... دادگاه عمومی دستور ارسال پرونده به دیوان عدالت اداری صادر پرونده به شعبه سوم دیوان مذکور ارجاع شده و در این شعبه قرار رد دادخواست مطروحه و در خصوص توقیف عملیات اجرایی صادر گردیده است بنا به مراتب با عنایت به اینکه وفق بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی در صلاحیت دیوان عدالت اداری بوده و اقدامات آقای رییس شعبه ... دادگاه عمومی تهران خارج از صلاحیت و برخلاف قوانین موضوعه می باشد.

پس از موافقت با نظریه فوق از سوی آقایان معاون و دادستان دادرسی انتظامی قضات علیه آقای ... کیفرخواست صادر شده است. پس از ارجاع پرونده به این شعبه و ابلاغ کیفرخواست به قاضی مشکی عنه انتظامی لایحه دفاعیه ای واصل شده که در هنگام شور قرائت خواهد گردید.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون دادرسی انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی برای مشکی عنه مورد تقاضاست) مشاوره نموده به شرح آتی رأی صادر می نماید:

رأی

به استناد بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراض و شکایت از رأی شورای کارگاه و هیأت حل اختلاف کارگرو کارفرما در صلاحیت و دود اختیارات دیوان عدالت اداری می باشد بنابراین اقدام رییس دادگاه عمومی از حیث صدور قرار توقیف عملیات اجرایی که اجرائیه بر مبنای رأی هیأت تشخیص حل اختلاف اداره کار صادر شده تخلف از مقررات مذکور است و دفاع وی مؤثر تشخیص داده نشد.

بنابه مراتب آقای ... رییس شعبه ... دادگاه عمومی تهران به استناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عشر حقوق ماهانه به مدت دو ماه محکوم می نماید. درخواست اعمال مقررات ماده ۲۵ نظامنامه مزبور با توجه به سوابق منعکس در کارکرد ثبت مشخصات رد می شود. این رأی قطعی است.

